بستن کمربند می‌تواند خطر مرگ و میر را در سرنشینان صندلی عقب، ۲۵ تا ۷۵ درصد کاهش دهد.

نقاش پیشکسوت ایرانی در آمریکا درگذشت

منوچهر یکتایی، نقاش برجسته سبک اکسپرسیونیسم، از پیشگامان نقاشی معاصر ایران و فعال در مکتب نقاشان نیویورک، بامداد بیست‌وهشتم آبان ماه در آمریکا درگذشت. آثار این هنرمند در چندین دوره حراج تهران و همچنین حراج‌های ساتبیز، کریستیز و بونامز فروخته شده است. یکتایی تا ۲۲ سالگی در ایران زندگی کرد. او تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا را نیمه تمام رها کرد و تحصیلاتش را در دانشسرای عالی ملی هنرهای زیبای پاریس و آمریکا به اتمام رساند. نخستین نمایشگاه انفرادی او سال ۱۳۳۰ در نیویورک برپا شد و آثار او در محافل هنری نیویورک مورد توجه قرار گرفت. چند سال بعد آثار او در شهرهای دیگری چون واشنگتن، شیکاگو و بالتیمور به نمایش درآمد و موزه هنرهای مدرن نیویورک یک تابلو و دو طرح را از او خرید. یکتایی جایگاه خود را به عنوان یک هنرمند ایرانی در مکتب نقاشان نیویورک در کنار هنرمندانی چون پال جکسون پولاک و ویلم دکونینگ تثبیت کرد.

پای صحبت سازندگان فیلم‌های روی پرده: فرزاد موتمن، کارگردان فیلم چشم و گوش بسته

سایه شک همیشه روی من بوده

شب‌های روشن را فراموش کنید، من کارگردان سراسر شب هستم

امین فرج‌پور| فیلم چشم و گوش بسته پیش از تعطیلی و رکود حاکم بر سینماها یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های روی پرده بود. سیزدهمین فیلم فرزاد موتمن و دومین فیلم کمدی او که برعکس اینکه خود سازنده‌اش می‌گوید «برای خود من چندان فیلم مهمی نیست» اما یکی از بهترین کمدی‌های این چند وقت اخیر سینمای ایران است؛ کمدی‌ای تمیز و به دور از ابتذال که داستان دو شخصیت، یکی نابینا و دیگری ناشنوا را روایت می‌کند که درگیر ماجرایی جنایی می‌شوند.

چشم و گوش بسته با اینکه در روزهای اول اکران با نگاه منفی منتقدان و کم‌توجهی رسانه‌ها مواجه شد، اما به اعتبار کارگردانش فیلم مهمی است. در کنار این، فیلم بدی هم نیست؛ به‌خصوص از این نظر که داستانش را نجیبانه روایت می‌کند و اوقات خوشی برای مخاطب علاقه‌مند به سینمای کمدی رقم می‌زند. همه اینها باعث می‌شود دل‌مان بخواهد پای صحبت‌های فرزاد موتمن بنشینیم. سازنده چشم و گوش بسته اما «نمی‌خواهد راجع به این فیلم صحبت کند»؛ چرا که «فیلمی که روی پرده است، مورد تأیید من نیست و تهیه‌کننده و مجری طرح در آن دست برده‌اند». ظاهرا قرار بود نسخه اصلی «یک کمدی پلیسی خیلی کارتونی و مشنگ باشد؛ اما وقتی که فیلم ساخته شد، گفتند که این خیلی پیچیده شده و مخاطبان این جنس شوخی‌ها را نمی‌فهمند و در نتیجه تکه‌های جنایی فیلم را حذف کردند. در فیلم اصلی شخصیت آنا آن نیست که داریم می‌بینیم. این شخصیت در فیلم حضور سنگینی داشت. در هر حال از دستکاریی که در فیلم شده دلخورم».

• از فروش فیلم که راضی نباید باشید؛ نه؟

حقیقتش از فروش فیلم بی‌اطلاعم. می‌دانم که در ۱۰ روز اول فروش فیلم خوب بود و حدود دومیلیارد فروخت؛ ولی بعدش خورد به التهاباتی که به وجود آمد و بعدش هم که دیگر ارتباط‌مان به دلیل قطعی اینترنت با جامعه قطع شد و بنابراین با اینکه واقعا نمی‌دانم فروش فیلم این روزها چقدر بوده، ولی حدس می‌زنم این روزها مردم زیاد سینما نمی‌روند و این البته فقط مختص فیلم چشم و گوش بسته نیست و شامل همه فیلم‌ها می‌شود.

• بله، این امر را در مورد مطرب هم می‌بینیم و درواقع می‌شود گفت که این روزها برای سینما روزهای خوبی نیست.

دقیقا، فضای این روزها فضای سینما رفتن نبوده و آب‌وهوا هم مزید بر علت شده است. می‌بینید که نه فیلم ما می‌فروشد، نه فیلم آقای کیایی و نه حتی فیلم آقای عیاری که بعد از آن همه داستان بالاخره اکران شد.

• جناب موتمن؛ اما موضوع این است که در مورد شخص شما به نظر می‌رسد این مشکل همیشه همراه‌تان بوده و درواقع می‌توان گفت که فرزاد موتمن حداقل در زمینه اکران فیلم‌هایش آدم بدشانسی است. اینکه بعد از چند وقتی با فیلمی که امکان پرفروش‌شدن دارد روی پرده بیایید و بعد فیلم‌تان با شرایط پیش‌بینی‌نشده این روزها مواجه شود، چیزی جز بدشانسی نمی‌تواند باشد. تا آنجا که به یاد دارم، بدشانسی یا هر اتفاق دیگری در مورد اکران تاکنون دامنگیر بسیاری از فیلم‌های شما بوده و فیلم‌هایی مانند باج‌خور، سحر، خداحافظی طولانی تا حتی فیلمی چون پوپک و مش ماشالله با این مشکل درگیر بوده‌اند و این باعث شده به آن پتانسیل واقعی‌شان در اکران دست نیابند.

من فکر می‌کنم این اتفاق اساسا ناشی از این می‌شود که سینمای ایران که البته منظورم بیشتر تهیه‌کنندگان، صاحبان سینماها و دفاتر پخش فیلم است، نمی‌توانند جنس فیلمسازی مثل من را تصور کنند؛ یعنی فیلمسازی که در هر زمینه‌ای که فکرش را بکنید، کار می‌کند، فیلم کمدی، جنایی می‌سازد، عشقی می‌سازد و چون بیشتر فیلم‌های من یک نوعی لحن تجربی دارند (از چشم و گوش بسته بگذرید و به سایه روشن، صداها، هفت پرده، شب‌های روشن و سراسر شب فکر کنید که هنوز اکران نشده است)، یک نوع بی‌اعتمادی نسبت به اکران درست فیلم‌های من وجود دارد. در نتیجه فیلم‌های من در اکران یا تبدیل می‌شوند به فیلم‌های هنر و تجربه یا در سینماهای نامناسب و کمی به نمایش درمی‌آیند، آن هم فقط و فقط به این دلیل که تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان ما به جای مردم تصمیم می‌گیرند و تکلیف فیلم‌ها را به این آسانی مشخص می‌کنند که فلان فیلم به درد مردم نمی‌خورد و آن یکی فیلم می‌خورد.

• یعنی این نوع نگاه گریبانگیر فیلم‌های شما شده؟ حتی فیلم‌های تجاری‌تان؟

اتفاقا آسیب این نوع نگاه به این نوع فیلم‌های من رسیده، فیلم‌های تجربی و شخصی من که تکلیف‌شان روشن است و تجربی و شاید شخصی باشند. اما در فیلم‌های تجاری‌ترم مثل پوپک، خداحافظی طولانی، آخرین بار کی سحر را دیدی و همین چشم و گوش بسته، به نظر می‌آید آن سایه شکی که وجود دارد، روی این نوع فیلم‌های من هم افتاده است.

• حتی در چشم و گوش بسته؟

باید این را بگویم که در چشم و گوش بسته اکران ما واقعا بد نبود. ما اکران را با حدود صد سالن آغاز کردیم که این نخستین بار بود که من در آغاز اکران این تعداد سالن سینما داشتم. فیلم هم داشت خوب می‌فروخت و من هم داشتم لذت می‌بردم از این موضوع که این اتفاقات رخ داد.

• آیا قبل از اکران فیلم حدس می‌زدید این فیلم می‌تواند پرفروش شود؟

اگرچه گرایش من فیلم‌های تجربی‌ترند، ولی من مخصوصا می‌روم فیلم‌های پرفروش هم می‌سازم، چون واقعا از اینکه فیلمم بفروشد، لذت می‌برم. من رفتم توی یک سینما و وقتی دیدم مردم با فیلم قهقهه و دست می‌زنند، لذت بردم.

• نگاه شما به بازار سینمای ایران آیا بیش از حد تلخ نیست؟ یعنی بر این باورید که تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان حتی تا این حد هم مدارا ندارند که بگذارند فیلمی خارج از سلیقه‌شان در مواجهه با خود مردم تکلیفش روشن شود؟

نه نیست، یعنی اصولا فروش فیلم‌ها در گیشه تعیین نمی‌شود، بلکه در اتاق فکرهای بسته صاحبان سینما و پخش‌کنندگان است که مشخص و تصمیم‌گیری می‌شود که هر فیلمی چقدر باید بفروشد و در چند سالن و برای چه مدتی باید به نمایش درآید.

• یعنی از قبل با اختصاص تعداد مشخصی از سالن‌ها سرنوشت اقتصادی فیلم شکل می‌گیرد. درست است؟

قطعا، چون فیلم‌های ما هیچ‌کدام براساس ویژگی‌ها و ارزش‌های تجاری‌شان نمی‌فروشند. غالب فیلم‌های ما اصولا این ویژگی‌ها را ندارند، حتی پرفروش‌ترین فیلم‌های ما. یعنی شما به هزار تو فکر کنید یا متری شیش‌ونیم. این فیلم‌ها واقعا فیلم‌های تجاری نیستند...

• بله، در سینمای ما تکلیف فیلم‌ها را فرامتن آنها روشن می‌کند، نام کارگردان و موضوع فیلم و البته همان‌گونه که شما می‌گویید، این واقعیت که فیلم در چند سالن اکران شده است...

تعداد سالن‌ها مهم‌ترین مولفه است، حتی در اکران الان هم می‌شود این موضوع را دید. ما بین هشتاد تا صد سالن داشتیم و مطرب صدوخرده‌ای. پس طبیعی بود که ما هیچ رقمه فروش مطرب را نداشته باشیم. بعد مثلا سمفونی نهم نصف ما سالن داشت. این شرایط عجیبی را بر سینمای ما حاکم کرده. به نظر می‌آید بی‌عدالتی وجود دارد و آن هم این است که براساس یکسری پیش‌داوری‌ها از قبل تصمیم گرفته می‌شود که هر فیلمی چه تعداد سالن داشته باشد، به عبارت بهتر از قبل سرنوشت‌شان را تعیین می‌کنند. به نظرم باید سیستمی به وجود بیاید که اکران فیلم‌ها در شرایطی نزدیک به هم آغاز شود، بعد وقتی فیلمی با استقبال بیشتری روبه‌رو شد، تعداد سالن‌های آن فیلم افزایش پیدا کند.

• جالب این است که در این پیش داوری‌ها فیلم‌های متعلق به طیف به نسبت فرهیخته‌تر سینما با محدودیت‌های بیشتری روبه‌رو هستند...

فیلمسازی که در سابقه‌اش فیلم‌های متفاوت یا تجربی وجود داشته باشد، به نوعی بچه ناخلف سینما محسوب می‌شود...

• درباره فیلم بعدی‌تان حرف نمی‌زنید؟

در حال حاضر به‌عنوان تهیه‌کننده برای فیلمی از مهدی فردقادری درخواست پروانه ساخت کرده‌ام که خیلی خوشحالم برای جوانی فیلم تهیه می‌کنم. این کار را می‌خواهم ادامه دهم و کمک کنم فیلمسازان جدید فیلم‌شان را بسازند. دو سه پروژه دیگر هم وجود دارد که یکی مثل سراسر شب بسیار جدی است، یکی کمدی است و یکی هم لحنی بسیار تجربی دارد که باید منتظر ماند و دید چه خواهد شد.

• راستی از سراسر شب چه خبر؟

فعلا که به من گفته‌اند امسال اکران خواهد شد، ولی متاسفانه مدام زمان اکران آن به عقب می‌افتد...

• پس درگیری‌تان با مناسبات اکران است و نه مثلا با ممیزی و ارشاد؟

بله. سراسر شب مشکل ممیزی ندارد، مشکل این است که نمی‌دانند این فیلم را چه کارش بکنند، چون یک فیلم بسیار شخصی است. در کل با اینکه تا چند ماه پیش نسبت به اکران این فیلم ناامید و دلخور بودم، اما حالا فکر می‌کنم به‌زودی اکران خواهد شد.

• ظاهرا برایتان خیلی فیلم مهمی است.

سراسر شب فیلم زندگی من است. عده‌ای مرا با شب‌های روشن می‌شناسند، اما باید آن را فراموش کنند، چون من واقعا واقعا واقعا کارگردان سراسر شب هستم. این مهم‌ترین فیلم من است، بنابراین خیلی افسرده بودم که این رفتار با این فیلم شد، که هم از جشنواره کنار گذاشته شد و هم کلی ممیزی به فیلم تعلق گرفت، ولی الان مطمئنم این فیلم اکران خواهد شد.

کاهش ۶۰ تا ۷۰ درصدی فروش نمایش‌ها به دنبال قطعی اینترنت

تئاتری‌های ضعیف، ضعیف‌تر شدند

شهروند| قطعی اینترنت در روزهای گذشته نه‌تنها فروش فیلم‌ها را با رکود مواجه کرده، بلکه حتی بر گیشه نمایش‌ها و تئاترها هم تأثیر ۷۰درصدی گذاشته است، چون فروش نمایش، فیلم و حتی کنسرت‌ها وابستگی زیادی به اینترنت دارد. در این روزها سایت تیوال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع فروش بلیت تئاتر و روابط عمومی برخی نمایش‌ها با ارسال شماره تماس برای خرید تلفنی، به صورت پیامک سعی در بالا بردن آمار فروش نمایش‌ها داشته باشند، اما ظاهرا این راهکار هم نتیجه نداده است. محمد عمروآبادی، مدیرعامل سایت تیوال هم دیروز از کاهش ۶۰ تا ۷۰درصدی فروش نمایش‌ها خبر داده است. او می‌گوید تأثیر این اتفاقات بر فروش نمایش‌ها از چند جهت بوده است: «نخست اینکه امکانات تبلیغاتی هنر به‌شدت کاهش یافته است، چون مخاطب‌یابی بسیاری از پروژه‌های نمایشی و موسیقایی و حتی سینمایی به‌صورت جدی به فضای مجازی مثل اینستاگرام وابسته است که با قطعی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، این امکان را از دست داده‌اند. ضمن اینکه قطعی گسترده اینترنت بر شبکه پرداخت فنی تأثیر گذاشت که البته این اختلال در روز دوم تا حدی برطرف شد.»

غیبت گوگل و ماجراهای بعد از آن

با گذشت بیش از چهارروز از قطعی اینترنت، تئاتر بیش از گذشته با مشکلاتی مواجه شده است. البته مسأله فقط تبلیغات و فروش تئاترها نیست. در سال‌های اخیر بسیاری از مخاطبان اطلاعات فروش نمایش و تئاترها در سایت‌های فروش را به وسیله موتور جست‌وجوگر گوگل پیدا می‌کردند. حالا دسترسی به آدرس سایت‌ها از طریق اینترنت ملی میسر شده، اما قطعی اینترنت جهانی و در نتیجه غیرقابل دسترس بودن گوگل امکان سرچ کردن را از آنان گرفته است. مدیرعامل سایت تیوال در این‌باره به ایلنا می‌گوید تنها کسانی که آدرس سایت را به‌طور دقیق حفظ هستند، می‌توانند برای خرید به تیوال و سایر سایت‌های فروش بلیت مراجعه کنند. همه اینها دست به دست هم داد تا درنهایت فروش بلیت تئاترها در سایت تیوال، در روز اول ۷۰ درصد و در روز دوم تا ۶۰درصد کاهش پیدا کند. بنابراین حتی انتقال شبکه‌های اینترنت به اینترنت ملی هنوز هم نتوانسته است مشکلات آن اقشاری که حیات‌شان به اینترنت وابسته بود را حل کند. به گفته محمد عمروآبادی، جامعه هنری در این سال‌ها با تلاش بسیار زیاد از مشکلات بسیاری که گریبانگیرش بوده، عبور کرده و خود را زنده نگه داشته است و هر روز رشد می‌کند، در حالی که این‌گونه وزنه‌ها و معضل‌ها چیزهایی نیستند که تئاتر بتواند به راحتی از پس‌شان بربیاید و اگر خدای ناکرده این اختلال‌ها، به درازا بکشد می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری را برای این شبکه‌ها و جامعه شریف و تلاشگر هنری به جا بگذارد.

تاوان شدید افت مخاطب

مدیران مجموعه‌های نمایشی هم دراین‌باره نگرانی‌هایی دارند. داود نامور، مدیر عمارت نوفل‌لوشاتو از ماجراهای جدید برای گیشه‌های تئاتر با عنوان «بحران تماشاگر و فروش بلیت» یاد کرده و می‌گوید در نتیجه این وقایع، چند نمایش در این مجموعه نمایشی دچار شکست در گیشه شده‌اند، حتی در بعضی از سالن‌ها، کارگردان‌ها نمایش‌هایشان را تعطیل کرده‌اند و گفته‌اند حتی در صورت بازگشت اوضاع به شرایط عادی هم دوباره اجرا نمی‌کنند، چون دچار شکست تجاری شدید شده‌اند و نمی‌توانند جبرانش کنند. او با اشاره به اینکه تاوان افت شدید مخاطب در این سه روز بسیار سنگین بوده است، تأکید کرد: «نمایشی که تا قبل از این، شبی ۱۰۰ نفر مخاطب داشت الان مخاطبش به ۱۰نفر رسیده که آن هم فامیل و دوست‌های عوامل اجرایی هستند که با تلفن وهزار خواهش می‌آیند تا تئاتر ببینند.»

خبر

معرف فریدون فروغی در بیمارستان

تورج شعبانخانی از خوانندگان پاپ ایرانی از روز پنجشنبه بیست‌وسوم آبان‌ماه بر اثر عارضه ریوی در یکی از بیمارستان‌های شهر همدان بستری شده‌است. این هنرمند قرار بود روز جمعه بیست‌وچهارم آبان ماه کارگاه آموزشی «آسیب‌شناسی ۱۰۰ سال ترانه در ایران» را در مجتمع فرهنگی هنری ابن سینا شهر همدان برگزار کند. طبق اطلاعاتی که از وضع جسمانی این هنرمند دریافت شده پزشکان بیمارستان به دلیل شرایط نامناسب جسمی، هنوز اجازه انتقال این هنرمند به تهران را برای انجام مراحل دیگر درمان نداده‌اند و شعبانخانی همچنان در شهر همدان بستری است. تورج شعبانخانی از جمله خوانندگانی است که سال‌های زیادی در عرصه موسیقی پاپ به فعالیت و همکاری با هنرمندان زیادی مشغول بود، اگرچه در سال‌های اخیر فعالیت چندانی در عرصه موسیقی نداشت. او فعالیت حرفه‌ای موسیقی خود را با موسیقی متن و آهنگسازی فیلم «آدمک» و معرفی فریدون فروغی شروع کرد. ترانه «بهار بهار» از جمله قطعات خاطره‌ساز و پرطرفدار این خواننده در عرصه موسیقی است.

روی خط خبر

• ششمین آیین «کتابگردی» تهران برای زنده نگه‌داشتن فرهنگ کتاب و کتابخوانی پنجشنبه ۳۰ آبان ماه در کتابفروشی‌های سراسر کشور برگزار می‌شود.

• هوشنگ بازوند، استاندار کرمانشاه گفته است میراث فرهنگی این استان یکی از خانه‌های تاریخی را برای ایجاد کانون هنری و فرهنگی در اختیار «شهرام ناظری» موسیقیدان کرمانشاهی قرار می‌دهد.

• قباد آذرآیین که با کتاب «فوران» در میان نامزدهای نهایی جایزه «جلال آل احمد» قرار داشت، از این جایزه انصراف داد.

• علیرضا مهران، کارگردان نمایش «نسیان» از به تعویق افتادن اجرای این اثر نمایشی به دلیل مشکلات موجود در اطلاع‌رسانی به مخاطب خبر داد.

• کتاب «آوای یک زندگی؛ گفت‌وگو با پری ملکی» روز جمعه اول آذر با حضور تعدادی از هنرمندان و علاقه‌مندان در موزه موسیقی ایران رونمایی می‌شود.

• بازیگر نقش جان اسنو در سریال معروف «بازی تاج و تخت» در واپسین روزهای سال جاری میلادی با فیلم پرستاره «مرگ و زندگی جان اف. داناون» به سینماها می‌آید.

• بررسی‌های مرکز ملی کتاب فرانسه نشان می‌دهد زنان بیشتر از مردان و افراد میانسال و کهنسال بیشتر از جوانان کتاب می‌خوانند.

جهان

فروش چندصدهزار دلاری دست‌نوشته «موتزارت»

نسخه دست‌نویسی از نت‌های یک قطعه موسیقی که «موتزارت» در ۱۶ سالگی نوشته بود، به قیمت ۴۱۳هزار دلار فروخته شد. حراجی ساتبیز ارزش تقریبی ۱۶۶ الی ۲۲۰هزار دلار را برای این نسخه دست‌نویس متعلق به‌سال ۱۷۷۲ تعیین کرده بود، اما این اثر با قیمتی حدود دو برابر قیمت تعیین‌شده فروخته شد. این اثر را در ابتدا خواهر «موتزارت» نگهداری می‌کرد و سپس از کلکسیون عظیم «اشتفان تسوایگ» نویسنده اتریشی که به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌داران نسخه‌های دست‌نویس نت‌ها به‌خصوص آثار «موتزارت» شناخته می‌شود، سردرآورد.

دوقلوها در لندن به هم می‌رسند

گالری ملی لندن اعلام کرده تابلو نقاشی «منظره Het Steen در اوایل صبح» را برای نمایش در کنار تابلو «منظره رنگین‌کمان» به مجموعه هنری بزرگ «والاس» امانت می‌دهد. این دو تابلو منظره را که «پیتر پل روبنس» به‌عنوان دو اثری که یکدیگر را کامل می‌کنند، نقاشی کرده است، برای نخستین بار در ۲۰۰سال اخیر در کنار یکدیگر در گالری ملی لندن به نمایش گذاشته می‌شوند.